

## تذکرات مهم :

- ۱- متنهای قرمز رنگ حاشیه ی سمت راست این فایل، که شامل تیرها و مطالب کمکی و... است، خارج از بیانات استاد معظم میباشند ، و با سلیقه ی نگارنده ، درج گردیده است ولذا اشکالات احتمالی متنی و محتوایی و عدم تناسب آنها متوجه نگارنده است.
- ۲- به دلیل اینکه متن حاضر پیاده شده ی سخنرانی است، جهت رسا شدن متنها ، کلمه یا جملات افزوده شده به متن بیانات حضرت استاد روح، را درون قلاب [ ] قرار دادیم ، تا مخاطبان محترم، متن اصلی را از غیر اصلی تشخیص بدهند ، همچنین در اضافه کردن این متنها سعی شده است ، در حد وسع، به محتوا و مقصود بیان شده توسط استاد عزیزمان ، پایبند باشیم.
- ۳- در این نوشتار ، عین متن نامه و عین متن قانون اساسی بدون کم و کاست و بدون تغییر نقل گردیده است.
- ۴- پیشاپیش از وجود اشتباهات محتوایی و املایی و یا تایی ، از محضر عزیزان ، پوزش میطلبیم.



بیانات ۹۷/۰۹/۲۳

سلام علیکم و رحمه الله  
أعوذ بالله السميع العليم من هوانا و من الشيطان العين الرجيم  
بسم الله الرحمن الرحيم

ونتر منس القراء، ما هو شفاء و رحمة للمؤمنين وللبزير الطالبيين لاد خاد

سلامتی وجود پاک و مقدس مولایمان حضرت بقیة الله الاعظم صلوات مرحمت فرماید ،

واللهم صل على محمد و آل محمد و على فرجهم

- تشرک از سه نفر...
- اولاً یک تشکری داشته باشم ، هم از همکاری دوستانمان هم از تلاوت خوب برادرمان و هم از ترجمه فاخری که برادر بزرگوارمان آن را ارائه فرمودند.
- [دو آفت نسبت به قرآن کریم ، در بین ما وجود دارد ، آفت اول : توجه نداشتن به اصل بودن متن وحی است ] ، خواهش می کنم اینرا مقداری جدی تر بگیریم، در بین ما متاسفانه ، گاهی قرآن خوانده میشود که بعد سخنرانی صورت بگیرد، این کار ایرادی ندارد، ولی اصل چیز دیگری است یعنی اصل خود متن وحی است ، اصل ، متن وحی است...
- لذا خواهش می کنم بیایید اینرا تمرین کنیم ... [که در زمان قرائت قرآن کریم ، توجه و اهتمام کافی را بکاربندیم]
- آفت [دوم] که در مساجد وجود دارد، آفت پر گویی است ، چه از ناحیه برخی آقایان و چه از ناحیه بانوان که به گمانم [این پرحرفی] تا انقلاب امام عصر ادامه پیدا خواهد کرد!
- [هم] کوچکمان و [هم] بزرگمان بیایید خودمان را کنترل کنیم، [و] تمرین کنیم ، که در زمان [تلاوت قرآن کریم] سکوت کنیم ، [این] کار بسیار خوبی است، یک تربیت بسیار خوبی است...
- یک کار بسیار خوب...
- چون امشب حرفهای بسیاری می خواهیم بزنم [لذا فعلا ، درمورد رعایت ادب حضور در محضر قرآن کریم، نکته ای] کوتاه عرض می کنم...

یکی از آقایان فاضل و متدین می گفت: سال ها قبل از انقلاب ، [در سفری که به مکه رفته بودیم یکی از همراهانمان فوت کرد ، لذا برایش مجلس ختم گرفتیم] و کسی را [دعوت کردیم] که قرآن بخواند... آن شخص که آمد ، اصلاً قرآن نخواند، به او گفتیم: قرآن بخوان [چرا تلاوت قرآن را شروع نمی کنی؟!]

آن شخص گفت: این مجلس تلاوت قرآن نیست!

گفتیم: چرا؟

گفت: چون در حال توزیع چای هستند ، قلیان گذاشته اند!

گفتیم : چشم ،[بساط قلیان و] چای را جمع کردیم، حالا بخوان.

گفت : آنها هنوز دارند حرف میزنند،لذا هنوز اینجا جلسه ی قرآن نیست!

-همه سکوت کردند!

گفتیم : خب،بخوان.

گفت : درست [ننشسته اند!]

گفتیم : چشم ، همه درست و مرتب و رو به قبله نشستند، بعد آن قاری ، یکی دو آیه خواند و رفت.

﴿الاعراف، 204﴾ هنگامی که قرآن خوانده شود، به آن گوش فرا دهید و سکوت کنید تا مشمول رحمت شوید.

﴿الْقُرْآنُ الْقَرِیْمُ فَاسْمِعُوهُ وَلِيُنصِتُوا لَكُمْ تَرْحَمُوا﴾

کار خیلی خوبی است که یاد بگیریم که [اولاً] این کتاب عظیم الهی را هم به درستی بخوانی و [ثانیاً] چون غالب ما ها زبانمان با زبان قرآن [فرق دارد] خواهش کردیم [که] یک ترجمه فاخر در اختیارمان باشد [تا] بتوانید استفاده کنید.

هفته گذشته به عرض دوستان رساندیم، که **انصافاً ترجمه‌ای که جناب آقای ملکی زحمت کشیده‌اند** ، البته در موخره ی قرآن فرموده اند: که ۸ سال [تمام وقت برای آن زحمت کشیده‌اند] ولی تلفنی [به من] فرمودند: که ۱۰ سال تمام وقت [برای این ترجمه] کار کرده اند، یعنی **یک اثر بسیار بسیار، قابل دفاع** انصافاً، یعنی اگر در خلوت خودتان هم بخواید، بخوانید که چه میگوید، **انصافاً فوق العاده ترجمه ی فاخری است**، البته نه ایشان ادعای ترجمه ی بدون خطا را دارد و نه هیچ انسان غیر معصوم دیگری، ولی در بین این ترجمه‌هایی که وجود دارد، از این جهت که سعی بکند محتوا [ی آیه] را به ما برساند، انصافاً، فوق العاده ترجمه ی کارآمدی شده است، [البته در جهت رساندن پیام] نه [از جهت] یاد دادن لغت ، [لذا از این جهت] قابل مقایسه با بیش از پنجاه ترجمه ای که در اختیار ما هست، نیست. این مطلب را خواستم سربسته بگویم که اجمالش را بدانید، صلواتی مرحمت بفرمایید،

معرفی یک ترجمه ی بسیار فاخر از قرآن کریم...

واللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجه

امشب بنده تقریباً ۱۰ دقیقه دیرتر آمدم ، یعنی بیست دقیقه یا یک ربع به هشت ظاهراً رسیدم، لکن سعیم بر این خواهد بود که همان هفت و نیم خدمت آقایان برسم، و یک تنظیم وقتی هم برای بنده

خواهد شد، میدانید که من از همه ی شما نامنظم تر هستم ، چندین سال است... رفقای پیرمرد ما کاملاً استحضار دارند که چه میگویم ...

من هم می آیم...

ولی سعی می کنم خود بنده [هم] منظم بیایم و رفقا هم این سنت حسنه را حفظ بکنند، بنابراین خواهد بود که هفت و نیم تلاوت داشته باشیم ان شاءالله. صلواتی مرحمت بفرمایید،

## والله صل على محمد و آل محمد و عمل فرهم

گفتگوهایی که ما داشتیم ، پیرامون این بیان نورانی حضرت سید العابدین علیه السلام بود که امام از خدای قادر متعال قدرت خواستند، سوالی که مطرح [شد] این بود که :

کسب قدرت برای  
اجرای دین  
خدا، تکلیفی الهی...

آیا کسب قدرت برای صالحان منافاتی با صلاح و عدالت صالحان ندارد؟  
گفتیم : نه تنها منافات ندارد، بلکه وظیفه شان هست که دنبال [قدرت] بگردند، چرا؟ چون خداوند قادر متعال تکالیفی [را] به گردن [صالحان] گذاشته است که آن تکالیف، بدون به دست گرفتن قدرت ، عملاً [بر] روی زمین می ماند.

یکی از این تکالیفی که خداوند سبحان، به طور جد و قاطع، از انبیا و اوصیا و اولیا الهی و صالحان خواسته [است] اقامه عدل است.

نکات متعددی [را] اینجا گفتگو کردیم، [و] بحث به اینجا رسید که [عدالت با دو مانع مواجه میشود ، اولاً] چیزهایی

موانع اجرا و تحقق  
عدالت...

نمیگذارد [حدوثاً] عدالت تحقق پیدا کند ، مثل اینکه کسانی بعد از رسول خدا ، نگذاشتند امیرالمؤمنین علیه السلام حکومت عدل را به دست بگیرد و کارها را پیش ببرد ، و [ثانیاً] چیزهایی که سبب میشود عدالت [بعد از تحققش

به زمین بخورد] [و] بقاء با مشکل مواجه گردد ، مثلاً] بعد از اینکه امیرالمؤمنین علیه السلام کار را به دست گرفتند ، کار به جایی رسید که عده ای نگذاشتند عدالت ادامه پیدا کند، اینجا موارد متعددی را به عرض دوستان رساندیم. به عرض دوستان رساندیم، یکی از گروه هایی که نگذاشتند حضرت امیر علیه السلام کار را پیش ببرد و بالاخره با ضربه ی آنها حضرت از این عالم شهید تشریف بردند، جریان خوارج بود.

برادران جریان خوارج نابود نشده است، خدایا تو شاهد باش که اینها را من برای رساندن دین تو ، به عرض می رسانم.

خوارج همچنان  
مشغول کارند...

[برادران] جریان خوارج نابود نشده است، فقط لباسش تغییر کرده است ، شکلش تغییر کرده است، ادبیاتش تغییر کرده است.

در جاده ی ولایت  
برانید...

دو هفته ی پیش ، بنده اینجا نامه ی یکی از آقایان که یک نامه ی سرگشاده برای رهبری عزیز انقلاب ، نوشته بودند را خواندم، [و] نکات متعددی را به عرض رساندم، که اگر بخواهیم دسته بندی می کنیم ، برخی از نکات مباحث حقوقی بوده است، برخی مباحث اجتماعی بوده است، نکاتی هم بصورت نکات اخلاقی تذکر دادیم. ظاهراً آنچه که ما عرض کرده بودیم به کام بعضی از دوستان متدین ما، که [ایشان] را [آدمهای] ذاتاً خوب ولی صفتاً بد می دانیم، خوش نیامد.

دوستانی که ذاتشان خوب است، بینی و بین اگر ذاتشان را بد [می دانستم] محال بود که این بحثها را ادامه بدهم ولی من اینها را تا جایی که می شناسم ، ذاتاً انسانهای سالمی هستند ، ولی خوب هر دلیلی که هست، که گمان می کنم یک دلیلش حب مفرطی است که به یک آقای پیدا کرده اند و هر چه در گوششان می خوانیم، که نگاهت را اصلاح کن، دیدت را برگردان، [تالآن فایده ای نداشته است] ، هر کاری تا حالا کرده ایم نتنها خوب تر نشده اند، بلکه برای ما فحشنامه هم می نویسند! [و نسبت به] صحبت های دو هفته ی قبل ما ، [لفظ] لجن پراکنی [را به کاربردند] عین این تعبیر!!

عیبی هم ندارد ، ان شاءالله ما فحش خورمان قوی است، دوستانی که اینجا نشسته اند می دانند ما فحشهایی از این شدیدتر [را نیز] شنیده ایم.

به اعتبار فحش و فلاکت حرف نمی زنیم [بلکه] به اعتبار دقت [در این امر مهم است] که حرف می زنیم. یکی از حرفهایی که آنجا برای ما [گفته بودند] این است که : ما دیگر کار نداریم شما قبلا از آن [شخص] دفاع میکردی و امروز نقدش میکنی، [بلکه] به تمام صراحت می گویند : شما [در حال ارتکاب] اشتباه بزرگی هستی و آن اشتباه این است که [شما] شخص مدار شده ای! منظورشان از شخص کیست؟ [منظورشان رهبری عزیز انقلاب است!!!، خوب گوش می دهید؟!!!]

می گویند: شما شخص مدار شده ای نه حق مدار می گویند : [محور قضاوتتان] دیگر معارف نیست، [بلکه چون رهبری شده است] محور شما [لذا امروز اینگونه احمدی نژاد را نقد میکنی]

اگر چنین چ و من یزی [واقع] شده باشد ، من حاضریم کف پای اینها را ببوسم. و خدا کند بحق پیغمبر و آل پیغمبر ما [هم] بتوانیم این مدار درست را پیدا بکنیم و از آنها [نیز] دعوت می کنیم که شما هم این مدار درست را پیدا می کنید.

ولی برادران، این سخنی [که نویسنده ی فحشنامه به ما می گوید] عین تهمت است که خوارج مطرح کرده اند! یکی از کسانی را که خوارج کشتند، یک شخصیت صالحی است بنام **خَبَاب بن آرْت** [است] ، اگر سریال امام علی را دیده باشید ، نقش ایشان را مرحوم حسین پناهی بازی کرد که در فیلم لکنت زبان هم داشت ، شب جمعه است خدا ایشان را رحمت کند ، برایش صلواتی مرحمت کنید.

**خَبَاب بن آرْت** هم خودش فرد صالحی است هم پدرش فرد صالحی است. در جریان جنگ با خوارج که هنوز جنگ هم شروع نشده بود ، [خَبَاب] و همسرش که باردار بود از مسیری عبور می کردند که با لشکر خوارج [مواجه شدند، خوارج] از جایی شنیده بودند که خَبَاب از علاقه مندان به امیرالمؤمنین علیه السلام است لذا او را ننگ داشتند و شروع کردن به تفتیش عقاید، که شما چه را قبول داری و چه را قبول نداری؟ [در واقع] دنبال بهانه می گشتند، من جمله از خلفاء سوال کردند، ایشان بگونه ای جواب داد تا بهانه به دست آنها [ندهد، خوارج] گفتند

: [درمورد] علی علیه السلام در دو جا از تو سوال داریم ، [اول] علی علیه السلام [را] قبل از تحکیم [و ماجرای پذیرش حکمیت چطور آدمی میدانستی؟] خب قبل حکمیت خود خوارج هم جزء سربازان حضرت امیر بودند لذا

شبهه ای با بیش از هزار سال قدمت...

"میزان الحکمة ؛ ج ۳-عربی  
ص ۳۱۶ ح ۴۸۳۲ : شرح  
نهج البلاغة عن أبي العباس:

وَلَقِيَهُمْ - أَي الْخَوَارِجِ - عَبْدُ  
اللَّهِ بْنُ خَبَّابٍ فِي عُنُقِهِ  
مُصْحَفٌ، عَلَى جِمَارٍ وَمَعَهُ  
امْرَأَتُهُ وَهِيَ حَامِلٌ، فَقَالُوا لَهُ:  
إِنَّ هَذَا الَّذِي فِي عُنُقِكَ  
لِيَأْمُرُنَا بِقَتْلِكَ! فَقَالَ لَهُمْ: مَا  
أَحْيَاهُ الْقُرْآنُ فَأُحْيِيهِ وَمَا  
أَمَاتَهُ فَأَمِيتُوهُ. فَوَثَبَ رَجُلٌ  
مِنْهُمْ عَلَى رُطْبَةٍ سَقَطَتْ مِنْ  
نَخْلَةٍ فَوَضَعَهَا فِي فِيهِ،  
فَصَاحُوا بِهِ، فَلَفَظَهَا تَوْرَعًا!  
وَعَرَضَ لِرَجُلٍ مِنْهُمْ  
خَنْزِيرٌ فَضَرَبَهُ فَقَتَلَهُ، فَقَالُوا:  
هَذَا فِسَادٌ فِي الْأَرْضِ،  
وَأَنْكُرُوا قَتْلَ الْخَنْزِيرِ. ثُمَّ قَالُوا  
لِابْنِ خَبَّابٍ: حَدِّثْنَا عَنْ أَبِيكَ،  
فَقَالَ: إِنِّي سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ:  
سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ  
عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: سَتَكُونُ  
بَعْدِي فِتْنَةٌ يَمُوتُ فِيهَا قَلْبُ  
الرَّجُلِ كَمَا يَمُوتُ بَدَنُهُ،  
يُمْسِي مُؤْمِنًا وَيُصْبِحُ كَافِرًا،  
فَكُنْ عَبْدَ اللَّهِ الْمَقْتُولِ، وَلَا  
تَكُنِ الْقَاتِلَ ... "

امیرالمؤمنین علیه السلام را آدم خوبی میدانستند ، لذا گفتند: قبل از تحکیم آدم خوب و از اولیاء الله و اعلم ناس به

کتاب الله بود، [دوم] علی علیه السلام [را] بعد از پذیرش ماجرای حکمیت [چطور آدمی میدانی؟!]

بنده عبارت را از میزان الحکمه آقای ری شهری می خوانم [میزان الحکمة ؛ ج ۳-عربی ؛ ص ۳۱۶ ح ۴۸۳۲] ، قبل از ایشان این عبارات در شرح نهج البلاغه ی ابن ابی الحدید جلد ۲ [آمده است] و قبل از [شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید] در کتاب الکامل مَوْرَد [آمده است] که از بزرگان علم ادب است، در تاریخ هم کتابی دارد که آنجا [ماجرای خَبَاب] ذکر شده است. (خوارج در ظاهر خیلی آدمهای مقدسی هستند، یعنی از نظر پاکهای اقتصادی خیلی دست پاک بودند! مشکلشان اصلا در پاکدستی و اینطور چیزها نبود، تا شما [اشکال کنید] ، در [مورد] پاکدستی اینها این را بدانید که ، در مسیری که حرکت میکردند ، از [کنار] باغی که دیوار نداشت عبور کردند، یکدفعه یک دانه خرما، از روی درخت بر روی زمین افتاد، یک نفر از این خوارج خیز برداشت که آن یک دانه خرما را بخورد، تا گذاشت داخل دهانش، خوارج دیگر داد زدند که چکار می کنی؟ مال حرام نخور؟ صاحبش راضی نیست!!! آن شخص [بلافاصله] خرما انداخت بیرون!!! یک آدمهایی اینگونه دستپاک!!! نمونه ی دیگری که اینجا ذکر میشود، [اینستکه] یک خوکی از مسیر اینها در حال عبور که یکی از این خوارج آن حیوان را کشت! خوارج دیگر داد زدند که [چرا این خوک را کشتی؟! این فساد فی الارض است!!! خیلی کار بدی انجام دادی!!! اینهایی که تا این اندازه مراقب بودند که یک حیوانی [یک خوک، بی دلیل] کشته نشود [و یا] یک دانه خرما [بدون رضایت صاحبش!] خورده نشود، [همین آدمها] چند سوال از خَبَاب پرسیدند ، تارسیدن به علی بعد از تحکیم! لاحول و لا قوه الا بالله ...

[حرف خوارج] قالوا: فَمَا تَقُولُ فِي عَلِيٍّ بَعْدَ التَّحْكِيمِ وَالْحُكْمَةِ؟

[پاسخ خَبَاب] قَالَ: إِنَّ عَلِيًّا أَعْلَمُ بِاللَّهِ وَأَشَدُّ تَوَقُّيًّا عَلَى دِينِهِ وَأَنْفَذَ بَصِيرَةً - گفت: علی را میگویند؟! علی مرتضی عالمترین فرد به خدای سبحان و بیش از همه دیندار و با بصیرت ترین فرد امت است- [به خَبَاب گفتند : [ تو علی را قبول داری یا حق را قبول داری؟! عین همین حرفی که رفقای ما امروز به میگویند! گوشه‌پیشان باز است که چه میگویم؟ گفتند : تو تابع حقی یا تابع علی [هستی] ؟ رفقا این سوال چه معنایی دارد؟ [اصلا] اسن سوال درست است یا غلط است؟ لا اله الا الله

ما در آن عبارت [اشاره به بیانات ۲۴-۸-۹۷ در نقد نامه ی هتاکانه ی احمدی نژاد] گفتیم : همین برادران دوست ما از اسلام هیچ چیز نمی فهمند ، همین برادران دوست ما که در [احوالپرسیها] بغلشان هم میکنیم...  
خدایا تو شاهد باش...

دوستانه به بعضی از شما عرض میکنم، [که] الفبای دین را نمی شناسید، به صاحب این خانه قسم [که] الفبای دین را نمی شناسید!!!

وقتی هفته ی قبل آن روایت را خواندم ، [برای ما نوشتند که] احتمالا خود روایت هم اشکال دارد!!!  
برادر! من متن روایت را به شما بدهم ، [حتی] از رو هم نمی توانید بخوانید [بعد در مورد صحت و سقم روایت حرف میزنید؟!!!!] خجالت هم خوب چیزی است... لا إله إلا الله...

جالب نیست؟  
استدلال احمدی  
نژادیه با استدلال  
خوارج یکی است!

مرحوم علامه قزوینی در دقت نظر خیلی اشتها داشت، [به اندازه ای که اگر] قرآن را به او می دادند و می گفتند: بگو سوره حمد چند آیه دارد، ایشان میگفت: بایستید ببینم که [سوره ی حمد در این قرآن] چند آیه دارد!!! شنیدم یک فردی جزوه ای پرت و پلا نوشته بود و داد به مرحوم علامه ی قزوینی تا تقریضی بر آن بنویسد، علامه ی قزوینی هم با آن فرد رودربایستی داشت و آن فرد هم اصرار می کرد که بالاخره ایشان چیزی بنویسد، می گوید مرحوم علامه ی قزوینی نوشت "بینی و بین الله از صدر اسلام تاکنون چنین کتابی نوشته نشده است" آن فرد هم کیف کرد!!! [من خودم در خانه چنان خنده ام گرفت] که یک ربع، بیست دقیقه [خنده میکردم] به حدی که اشکم جاری شد...

وقتی سوادش را نداری، چرا حرف میزنی؟

خب آقای بزرگوار! شما! که می خواهید بررسی کنید! نمی پذیرید که علمی به نام علم حدیث شناسی وجود دارد که شما اولیات آن را هم [نمی دانید] بعد چطور اینگونه بی محابا وارد میشوید!!! بعد با همین ورود حتی رهبر اسلام را ظالم می دانید! منتها با من در لفافه حرف می زنید! چرا این گونه حرف می زنید؟! صریح حرف بزنید، تا ما هم آشکار بفهمیم چه خبر است!!! ببینید چه می گویند:

[حرف خوارج] **فَقَالُوا: إِنَّكَ لَسْتَ تَتَّبِعُ الْهُدَى -** گفتند: تو که دنبال حق نمی گردی - **إِنَّمَا تَتَّبِعُ الرَّجَالَ عَلَى أَسْمَائِهِمْ!** - گفتند: تو دنبال شخص راه افتادی!!! - این محکومیتش...

اگر هم من دنبال شخص راه افتاده باشم، برادر بدان! من دنبال حجت خدا راه افتاده ام، امام عصر به ما طلبه ها یاد، فرمود: در زمانی که من نیستم، گوشت به دهان ولی امر جامعه ی اسلامی باشد، فرمود: فانهم حجتی علیکم و انا حجت الله... **من اگر دنبال این آقا [رهبری عزیز انقلاب] راه افتاده ام، بین خودم و خدای خودم برای شب اول قبرم حجت شرعی الهی دارم**، شما در خلوتتان از خودتان سوال کنید که دنبال این شخص [احمدی نژاد] که راه افتاده اید، حجت شرعی الهی برای شب اول قبرتان دارید؟! یا نه؟!!

نکند آن حرفی که قرآن در مورد برخی از بنی اسرائیل گفت: **لَشَرُّبُؤْمَرٍ قُلُوبِهِمْ لَوْلَا عَجَلُ** ﴿البقرة، 93﴾ یعنی عاشق یک گوساله ای در بنی اسرائیل شده بودند و ول کن هم نبودند!!! آقایان بپایید بپایید...

خب، [خوارج به خُبَاب] گفتند: تو دنبال حق نمی گردی! اصلاً روش بررسی تو تغییر کرده است! قبلاً حق محور بودی ولی امروز شخص محور شدی!!

معیار سنجش، هدایت یافتگی افراد حتی مراجع تقلید، تبعیت از رهبری است...

آقایان، امروز در نظام اسلامی، هر کس که پشت سر رهبری حرکت نکند، حق محور نیست، بی رودربایستی، هر کس که میخواهد باشد، هر کس...

در این جهت [ما] مرجع تقلید [را نیز اینگونه میسنجیم چه برسد به پائین تر از آن] که دیگر برایش اعتباری قائل نیستیم...

آن مرجعی را در مسیر حق میدانیم که در خط امامت حرکت بکند و الا او را قبول نمی کنیم آقا جان!!!

نه اینکه او را آدم بدی میدانیم، لامذهب می دانیم، بلکه می گوییم از مسیر هدایت خارج شده است [قرآن

می گوید: **يَوْمَ نَذْرُؤُكُلُّ اُنَاسٍ بِاٰمِنِهِمْ** ﴿الإسراء، 71﴾ ما دنبال یک چنین چیزی می گردیم...

[حرف راوی] **ثُمَّ قَرَّبُوهُ إِلَى شَاطِئِ النَّهْرِ**، - خَبَاب را بردند لب نهر خواباندند - **فَأَضَجَعُوهُ فِدْبَحُوهُ!** - ذبح ، یعنی هنوز نفس در بدنش هست، جان دارد، و سر [خَبَاب] را بردند!!! - هنوز [جنایات خوارج] اینجا تمام نمیشود، نوبت به همسر بیچاره اش رسید که باردار بود ، پهلویش را شکافتند ، جنینش را درآوردند!!! ... اینجا جنایتهای دیگری هم هنوز وجود دارد.

ایشان نقل میکند ، [لشکر خوارج] درحال عبور از کنار باغ یک مسیحی بودند، [برای تامین غذا] به آن نصرانی گفتند: این باغ یا خرماها را به ما میفروشی؟ آن نصرانی [چون کشته شدن خَبَاب توسط خوارج را دیده بود] ترسید و گفت : همه این میوهها مال شما خوارج گفتن در باشندگان أجل دین است که مال حرام بخوریم آقایان راست می گفتند دادن مال حرام می خورند مشکل کار کجا بود عقیده خراب بود عقیده خراب بود **قَالَ أَبُو الْعَبَّاسِ: وَسَاوَمُوا رَجُلًا نَصْرَانِيًّا بِنَخْلَةٍ لَهُ،** - می خواست نخل یک مسیحی را بخرند - **فَقَالَ: هِيَ لَكُمْ** - گفت اصلاً این درخت مال شما ، گذشتیم - **فَقَالُوا: مَا كُنَّا لِنَأْخُذَهَا إِلَّا بِثَمَنِ** - گفتند: مگر ما حرام خواریم؟ حتماً باید پولش را به شما بدهیم - **فَقَالَ: وَاعْجَبَاهُ!** - فریاد مسیحی درآمد - **أَتَقْتُلُونَ مِثْلَ عَبْدِ اللَّهِ ابْنِ خَبَابٍ، وَلَا تَقْبَلُونَ جَنِي نَخْلَةٍ إِلَّا بِثَمَنِ؟! -** یک آدمی مثل آن مرد را مظلومانه می کشید ، بعد می خواهید خرما بخورید این حرف را می زنید؟ [درحالیکه خودم به شما اجازه دادم!!!] صلوات مرحمت بفرمایید

دست پاکهایی با  
عقیده ای سیاه!!!

### اللهم صل على محمد وآل محمد عجل فرحم

این **اولین نکته ای** که می خواستم عرض کنم در مورد شخصی محوری، رسول خدا فرمود: **"على مع الحق والحق مع علي يدور معه حيث ما دار"** **نکته دومی** که در نوشته برادرمان در فحشنامه [برای ما نوشته اند]، گفته اند : بابا این چه اسلامی است؟! که چیزهایی که برای رسول خداست را برای رهبر اسلام خرج می کنی؟!!!! آقایان واقعا حمل بر نادانی و بی سوادی می کنم، قطعاً می دانم غرض بدی ندارید، ولی خواهش می کنم، دقت کنید، برادران! شما که [مدعی هستید] ولایت فقیه را قبول دارید! برای رضای خدا، حد اقل! کتاب ولایت فقیه امام را بخوانید امام در آن کتاب تصریح دارند آن کسی که ولی فقیه جامعه ی اسلامی است، آن اختیارات و آن جایگاهی را که پیامبر به عنوان رهبر امت اسلامی [داشته است ، همانها را رهبر جامعه اسلامی دارد] . برادران، پیامبر **دوگونه ولایت** دارد، **یکی** ولایت کلیه الهیه دارد که با این ولایت می تواند شق القمر بکند و تأثیر در نفوس و ارواح داشته باشد، [اسم دیگر این ولایت ، ولایت تکوینی است] این ولایت ، در مبحث ولایت فقیه اصلاً مطرح نیست، دلتان می خواهد بگوئید **"ولایت تکوینی در مبحث ولایت فقیه اصلاً محل گفتگو نیست."** ولایت تکوینی که **"بیمنه رزق الوری و بوجوده ثبتت الارض والسماء"** این [نوع از ولایت] اصلاً در بحث ولایت فقیه محل گفتگو نیست. **[نوع دوم ولایت** ، ولایت تشریعی است یعنی ولایتی که مربوط به اداره ی اجتماع است].

لا اقل ولایت فقیه امام  
را یکبار بخوان...

ما می‌گوییم مالک اشتر اگر پایش به مصر می‌رسید و زمان به او وقت می‌داد، آن اختیاراتی که امیرالمومنین صلی‌الله‌علیه داشت، همان اختیارات را مالک اشتر نخعی در اجرای اسلام داشته و دارد، امروز هم همین‌طور است...

**مالک اشتر نخعی را بر دار امروز رهبری را بگذار، حضرت امیر را بر دار، امروز امام عصر را بگذار...**

افراد فرق می‌کنند اما عناوین سر جای خودش هست، امام رضی‌الله‌تعالی‌عنه بارها و بارها توضیح می‌دهد که "له ما للامام المعصوم" بر این اساس، همانگونه که در زمان حرف زدن با رسول خدا نباید خلاف ادب و نزاکت حرف زد سوره ی مبارکه ی نور بیست و چهارمین سوره قرآن کریم است در آیه ۶۳ اینگونه می‌گوید: **لَا تَجْهَرُوا لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ**

ادب گفتگو با رهبر  
جامعه ی اسلامی...

**يَكْتُبُ كَذِبًا بِصُحُفٍ بَعْضُهَا نَارٌ** ﴿النور، 63﴾

زمانی که می‌خواهید رهبر جامعه اسلامی را صدا بزنید، احترام و شانش را حفظ بکنید، **این آیه مربوط به جایگاه رهبر اسلام است**، یعنی بعد از رسول خدا این آیه شامل امیرالمؤمنین می‌شود، آن کسی که مالک اشتر می‌شود در آنجا وقتی که می‌خواهند صدایش بزنند، حق ندارند بگویند: آهای فلانی! حق اینگونه حرف زدن را ندارند. حق نامه سرگشاده ی برای مالک اشتر نوشتن را ندارند...  
خدایا تو شاهد باش که من گفتم، **بَلَّغْتُ** ...

**در زمان غیبت امام زمان صلی‌الله‌علیه یکی از سخت‌ترین آزمایش‌ها ولایت‌پذیری است از سخت‌ترین**

**آزمایش‌ها و برادران از ما بشنویم کسانی که نسبت به نایب امام زمان، هر امام زمانی در هر عصری، کسانی که نسبت به نایب امام زمان کوتاهی بکنند نسبت به خود امام زمان بدتر کوتاهی کرده اند... بدتر کوتاهی کرده و می‌کنند!!! صلوات مرحمت بفرمایید**

جفاکاران در حق نائب  
امام زمان، قاتلان امام  
زمان هستند...

**وَاللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى مَنْ تَبِعَهُمْ**

نگاه کنید، مسلم بن عقیل را در کوفه یاری کردند یا نکردند؟ مسلم بن عقیل را در کوفه یاری نکردند، نوبت به حسین بن علی که رسید "كُلُّ يَتَقَرَّبُونَ إِلَيَّ إِذْ دَعَا إِلَيَّ الْفُلُوكُ وَالْأَنْجَارُ وَالْأَنْهَارُ وَالْأَنْهَارُ وَالْأَنْهَارُ" نتنها حسین بن علی را یاری نکردند [بلکه قربه إلى الله در کشتن حسین بن علی تلاش می‌کردند]، مسلم بن عقیل در کوفه یاری نشد، همه کوفیان در قتل مسلم بن عقیل که شرکت نکرده بودند! مسلم را بردند بالای دارالخلافه گردن زدن [و شهیدش کردند] ولی کوفیان در قتل مسلم بن عقیل شرکت نکردند، اما همین کوفیان که در کوفه این کوتاهی را نسبت به نایب امام زمان خودشان انجام دادند، وقتی امام زمانشان آمد، گفتند: اصلاً دروغ است ما اصلاً چنین چیزی برای تو ننوشته بودیم! سیدالشهداء متن نام‌ها اینها را نشان داد، و به نام آنها را صدا زد فلان بن فلان ... گفتند دروغ است، ما اصلاً ننوشته ایم!! معلوم نیست [این نامه‌ها] خط و امضای کیست!!!



برادرانه شما را نصیحت می‌کنم، برای رضای خدا یک قبری، خلوتی، جایی [را برای خودتان پیدا کنید و آنجا خلوت کنید] ببینید من از چه حرف می‌زنم...

این انقلاب می‌رود جلو، سربازان این انقلاب هم مثل شهید حججی بوده‌اند، می‌آیند و ان شاءالله بیشتر و بهتر از من و شما حرکت [خواهند کرد].

انقلاب می‌رود جلو اینرا یقین بدان، این من و شما هستیم که نباید جا بمانیم حواسها جمع است که چه می‌گوییم؟!...

خیلی‌ها از کاروان انقلاب پیاده شدند! نمونه‌اش فردی است در اصفهان که امام جمعه اصفهان بوده است، بنام آیت‌الله طاهری اصفهانی، [که] برای رهبری عزیز انقلاب پیامی نوشته است، پیام او و پاسخ حضرت آقا [رهبری عزیز انقلاب] را هم می‌خوانم، آقا آن پیام را جواب نوشتند [اما این] نامه سرگشاده [ی احمدی‌نژاد] را اصلاً لایق جواب دادن هم نمی‌دانستند، در خانه اگر کسی است یک حرف بس است... چرا این گونه است؟ چون خطاها دارد واضح می‌شود...

رفتار امروز احمدی  
نژاد، رفتار منافقانه  
است...

آقا توضیح می‌دهد، می‌گوید: کسانی که به سمت دلسرد کردن مردم حرکت می‌کنند، کسانی که به سمت ناکارآمدن نشان دادن نظام حرکت می‌کنند، آقا تصریح می‌کنند، می‌گوید: **این حرکت‌ها منافقانه است...** شما وقتی [در آن نامه ی سرگشاده مینویس] شورای نگهبان که باید قانون اساسی را تفسیر کند به نص [قانون اساسی] بعد شما می‌گوی: شورای نگهبان غلط تفسیر می‌کند!! این حرف را من پیش چه کسی ببرم؟ شورای نگهبان غلط تفسیر می‌کند اما شما [ی احمدی نژاد] درست تفسیر میکنی؟! این حرف واقعا [مسخره است]. از این بدتر، برای من نوشته‌اند که [نامه ی سرگشاده و هتاکانه ی احمدی نژاد به رهبری] تظلم خواهی بوده است! این [نامه سرگشاده] عین ظلم کردن است نه تظلم خواهی، چرا حاکمیتان نیست؟!...

[در آن نامه ی کذایی] اینگونه می‌گوید که شورای نگهبان انتخابات را مهندسی می‌کند!!! سپاه انتخابات را مهندسی می‌کند!!! ترکیب نظام را کلاً به هم ریختید!!! تازه اقلأ در سه جای [آن نامه ی کذایی] رهبری را مقصر [همه ی نقصها] می‌دانی!!! من توضیح دادم که این حرف به نص قانون اساسی غلط است، مابقی حرف‌ها [و اشکالات شرعی و اخلاقی و...] بماند.

در عبارتی که برای من نوشته‌اند به من اشکال گرفته‌اند که چرا اصل ۱۱۰ قانون اساسی را خوانده‌ام!!! اصل ۱۱۰ قانون اساسی را برای چه خواندم؟ چون آن اصل، حدود اختیارات رهبری را مشخص می‌کند که اینها وظایف [رهبری] است و اینها را باید انجام بدهد...

بعد به عنوان نقض بر حرفهای [من] می‌گوید: دیدی در برجام رهبری چه کرد؟ برادر اگر اینها را درک نمی‌کنی واقعاً برای ما مصیبتی است! قصه ی برجام را بیایید باهم مطالعه کنیم که قصه برجام چه بود...

قصه ی برجام را اینگونه  
بخوان...

همین رئیس‌جمهور موجود در جریان انتخابات ریاست جمهوری، حرف‌هایی را مطرح کرده بود، که یکی از آن حرف‌ها این بود که شما فن مذاکره با ابرقدرتها را بلد نبوده و نیستید و آنجا بیانیه می‌خوانید [ولی] ما تیم کارکشته ای داریم [که میتواند پیروزمندانه با ابرقدرتها مذاکره کند و این وضع را حل کند] بعد اعلام کرد که کشور تحت بند هفت منشور ملل متحد [قرار گرفته است] یعنی در معرض تهدید به جنگ از طرف دنیا قرار گرفته ایم!!! بارها این حرفها را گفت و شما هم دیدید...

[بعد آمد به مردم اینگونه توضیح داد که رفع مشکل [ آب شما به این بحث [برجام و مذاکره با دشمن وابسته] است هوای شما به [وابسته] است و... ، حرفهایی اینچنینی زده است و رای هم آورده است! معنایش یعنی چی؟ یعنی چه کاره ی مملکت است؟ [یعنی] رئیس جمهور مملکت شده است، حالا رئیس جمهور مملکت می خواهد با آمریکا وارد مذاکره بشود! قبلش صحبت های حضرت آقا [رهبری عزیز انقلاب] وجود دارد، که در مذاکره حق ندارید که این کار بشود، آن کار بشود [ اشاره به خطوط قرمزى که رهبرى عزیز انقلاب برای مذاکره ترسیم کردند و از سمت تیم مذاکره کنند رعایت نشد!] آقای عزیز! که میگویى اصل ۵۹ قانون اساسی پس چه زمانی می خواهد استفاده بشود، عقلت را به کار بیانداز ، اگر درست در زمانی که مجلس شورای اسلامی آن عصر و رئیس قوه مجریه کشور در آن عصر می گوید باید [مذاکره با آمریکا انجام بشود]، و مجلس هم با او همراه بوده است، [در چنین شرایطی] اگر رهبری می گفت: نباید [مذاکره] صورت بگیرد، آنها چند تا کار می توانستم انجام بدهم؟ چند تا کار؟ کار اول: امور مهمه ی کشور حسب اصل ۵۹ قانون اساسی باید به چه گذاشته بشود؟ [باید به فراندوم گذاشته شود] ، چقدر نیرو برای این بحث لازم داریم؟ دو سوم نمایندگان مجلس ، اگر دو سوم نمایندگان مجلس چنین چیزی را می گفتند و حتماً می گفتند، یقین بدان که می گفتند همین امروز هم دارید می بینید [اشاره به بحث تمایل نمایندگان مجلس به بحث تصویب fatf] باید می رفتیم به سمت برگزاری فراندوم! اگر فراندوم برگزار می شد، چنانچه خود این [رئیس جمهور فعلی] رأی آورده است، [فراندوم مذاکره با آمریکا هم] رای می آورد، یقین بدان که رای می آورد...

خطوط قرمزى که رعایت نشد...

آن وقت شما چه می گفتی؟! می گفت: رهبری کشور در اقلیت است یا اکثریت؟ چون فرض این است که رهبری با این مذاکرات مخالفت می کرد ، فراندوم گذاشتیم ، اکثریت مردم هم میگویند که مذاکره باید صورت بگیرد، بگو ببینم این اصول سیاست را شما کجا یاد گرفته ای [که این حرفها را نمیفهمی؟] [معنای حرف چه میشد؟ میشد جدایی امام از امت! امام جامعه اسلامی وارد بحث نرمش قهرمانانه شد و سعی کرد که بحثها را طوری پیش ببرد که کمترین آسیب را ببینیم، درست شد؟

[حالا بعد گذشت این زمان از تصویب و اجرای برجام توسط دولت] امروز چند نفر در کشور از برجام راضی و چند نفر ناراضی هستند؟ میفهمی که چه میگویم؟ برادر این را درک کن...

شما میگویى که افتضاح برجام [چنین و چنان و میخواهی ان را تقصیر رهبری بیاندازی ، درحالیکه] اینها اصلاً قائل نبودند که بحث برجام وارد مجلس بشود! چه کسی گفت برجام باید وارد مجلس بشود؟ خود مجلس گفت؟ نخیر، آنها اینگونه مثال زدن که در جریان قطعنامه ۵۹۸ در دوران امام ، بدون ورود به مجلس ، امام راساً آن را قبول کرد ، شما هم همین کار را بکنید! اینگونه حرف می زدند، آقا [رهبری عزیز انقلاب] فرمود: نخیر قانون اساسی می گوید مجلس در رأس امور است... ولو اینکه رئیس شما [یعنی احمدی نژاد این حرف] که مجلس در رأس امور است را قبول ندارد، به خداوندی خدا ، بتمام صراحت گفت : این حرف را قبول ندارم والله بتمام صراحت گفت: مجلس در رأس امور است برای زمانی بوده است ، آقا حرف امام وجود دارد [و] بعد از امام ، حرف حضرت آقا [رهبری عزیز انقلاب] امروز وجود دارد که مجلس در رأس امور است، مجلس بد دارد، کم دارد یا زیاد دارد [یک حرف است] اما جایگاه مجلس بلغزند استبداد رضاخانی به بار می آید! حواست را جمع کن! این که به

هندسه ی معرفتى  
ذهنت را اصلاح کن...

احمدی نژاد هم با امام  
مخالف است و هم با  
رهبری...

راحتی مجلس را زدن [که هنر نیست]، اینکه در آن [نامه ی کذایی] بنویسی این مجلس که هیچی ، ولش کن!  
باید یک مجلس [دیگر با خصوصیات دیگر درست شود] !!!  
برادر!!! هندسه ی معرفتی ذهنت را اصلاح کن! کمی [باخودت] فکر کن [واز خودت بپرس : نکند که من دارم کج حرکت می کنم؟]

در بحث برجام این کاری را که رهبری انجام داد، اگر انجام نمی شد، مثل شما وارد یک بحث این چنینی [یعنی فراندوم] می شدیم، واقعا چه هزینه باید در کشور پرداخت می شد؟! چه هزینه ای؟!  
اولین گلی که طرف مقابل می گرفت چه می گفت؟ میگفت : رهبری نظام را ملت اسلام قبول ندارد! آنوقت شمای نادان می آمدی وسط [و] می گفتی : ملتی که شما را قبول ندارد ، شما حق ماندن نداری! شما دیگر نمی گفتی، یک ابله ی یک سنگی نافهمیده ای را در چاه انداخت ! آنروز اینگونه نمی گفتی! آن روز می گفتی: من که حرفهایم را زدم تو باید عاقل می بودی! از قدیمی هم میگویند که شنونده باید عاقل باشد... ولو اینکه گوینده بی خردی بورزد، شنونده باید عاقل باشد...

برادر !!! آن بحث هایی که ما [در مقام نقد نامه ی سرگشاده و هتاکانه طرح کردیم] ، عرضمان این بود که این نوع رفتار به خرج دادن، [و] ظالمانه ادای مظلوم را در آوردن [کار غلطی است] ، **یکی از مظلومیت های امیرالمؤمنین همین بود** [که] اصحاب معاویه خودشان از مسببین قتل عثمان بودند لکن از امیرالمؤمنین تقاضای اولشان ، تحویل دادن بقاتل عثمان بود! حضرت فرمود: [قاتل عثمان یعنی مروان بن حکم] در بین خودتان است! حضرت فرمود: مروان در بین خود شما است چرا راه دور می روید؟! کجا را میگردید؟!  
واقعیتش اینست برادران، اینگونه که شما دارید این بحث ها را مطرح می کنید [دارید کشور و مردم را به سمت ناامیدی میبرید، در حالیکه حضرت آقا میفرمایند :] کسانی که کشور را به سمت ناامیدی و ناکارآمدی نشان دادن می برند [این کار منافقانه است!] صلوات مرحمت بفرمایید

کارهای امروز احمدی  
نژاد، منافقانه است...

### اللهم صل على محمد وآل محمد وعجل فرجهم

من هم صحبت های شما را می خوانم، و هم فرمایشات آقا را می خوانم، شما خودتان بنشینید فکر کنید [و] ببینید واقعا این حرف هایی این آقا [در آن نامه ی هتاکانه] می زند، کشور را به سمت امید حرکت میدهد یا نه؟ صلوات مرحمت بفرمایید

### اللهم صل على محمد وآل محمد وعجل فرجهم

همان نامه ی ۹۶/۱۱/۳۰ که دو هفته ی پیش این [بخش ها] را نخوانده بودم، اگر عصبانیم بکنید، هفته ی بعد ، بدتر از این را هم پیدا خواهیم کرد، نگذارید بحثها به اینجا برسد. این عین عبارات شماست که می خوانم، عبارات رهبری را نیز خواهیم خواند، آقا تعبیر [شان] این است چنین رفتارهایی، تلاش های قلم های خائن در ناکارآمدی نشان دادن نظام نزد ملت، آقا [رهبری عزیز انقلاب] این قلم ها را خائن میدانند.

کتاب بسیار بسیار خوبی وجود دارد به نام «هندسه ی انقلاب» که اولین بار است در این مسجد مطرح می‌کنم، این کتاب بیانات حضرت امام رضوان الله تعالی علیه است، رهبری فرمودند: [اگر] می‌خواهید بدانید که انقلاب چه ارکانی دارد، بگردید در کلمات پربسامد حضرت امام پیدا کنید، [بعد خود رهبری عزیز انقلاب] شش، هفت، عنوان را مطرح میکنند، در این کتاب همه اش بیانات حضرت امام است؛ کتاب دیگری را [که خواهیم خواند] کتابی است به نام «راه، راهرو، رهبر» که بیانات حضرت آقا است؛ حالا اینها را خواهیم خواند. حالا فعلاً نامه ی شما را بخوانم، ببینیم کدام یک از اینها قابل استفاده است؛ صفحه ی هشت نامه ی آقای احمدی [نژاد]:

متن نامه احمدی نژاد: این سیاست‌ها، رفتارها و اندیشه‌ها در کنار ناکارآمدی

ساختاری، موجب بروز بسیاری از نابسامانی‌ها در اداره کشور و نارضایتی عموم مردم و امیدواری دشمنان برای نقض استقلال و حاکمیت ملی ما شده است.

**حضرت استاد روح:** [معنی حرف اینست که] نظام اسلام از اساس، ساختارش ناکارآمد است!!!  
دو، سه، خط پائین تر مینویسد:

متن نامه احمدی نژاد: امروز امید عمومی به اصلاح وضع از طریق ساختارهای موجود به صفر نزدیک شده است.

**حضرت استاد روح:** این حرف ایشان است!!!

متن نامه احمدی نژاد: اکثریت قاطع ملت خواهان تغییرات اساسی اند.

**حضرت استاد روح:** این عین حرف ایشان است!!! بعد شما این حرفها را تطبیق کن با حرفهایی که امام جامعه ی اسلامی به ما میزند... در صفحه ی یازده مینویسد:

متن نامه احمدی نژاد: امروز احساس عمومی هنرمندان و اهالی فرهنگ و فعالین سیاسی این است که مطلقاً آزاد نیستند.

**حضرت استاد روح:** این [حرفها] را چه کسی میگوید؟! اهل فرهنگ میگویند؟! [نخیر، این حرفهای]

این شخص است، فحشنامه ی سرگشاده برای رهبری نوشته است، هنوز هم آزادی ندارد!!!

فقط مانده است، برود  
رهبری را بزند، هنوز  
میگوید آزادی نیست...

گمان میکنم، فقط مانده است که مشت و لگد به زند به حضرت آقا!!!

متن نامه احمدی نژاد: در حکومت طاغوت آزادی سیاسی در اسارت بود ولی در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، مردم از آزادی نسبی برخوردار بودند.

**حضرت استاد روح :** یعنی الآن از دوره ی طاغوت هم بدتر است!!! خاک بر سران آدمی که اینگونه حرف میزند ، نظام اسلام را با طاغوت مقایسه میکنی؟؟!! به حضرت رضا قسم ، اگر زمان حضرت امام ، بودی و اینگونه [حرف] میزدی ، امام با مشت دندانت را خورد میکرد، غیرتی که امام برای انقلاب به خرج میداد [تو را سالم نمی گذاشت ، امروز رهبری عزیز انقلاب دارد حلیمانه با تو رفتار میکند والا...]

اگر زمان امام این حرف را میزدی، امام دندانهایت را میشکست...

متن نامه احمدی نژاد : از اهداف اصلی انقلاب رهایی آزادی سیاسی از چنگال استبداد بود.

**حضرت استاد روح :** ببینید [که چگونه سخیفانه حرف میزند]

متن نامه احمدی نژاد : صدا و سیما که باید در خدمت آرمانها، بسط آزادی، تعاطی افکار و اندیشه ها و صیانت از حقوق اساسی مردم باشد به یک ابزار جناحی در مقابل مردم تبدیل شده است.

**حضرت استاد روح :** همه ی ارکان نظام را مشکلدار میداند! فقط خودش هست که تافته ی جدا بافته است ، که از آسمان نازل شده است!!! [معنای این حرفش اینست که مردم یک طرفند و

همه بد هستند، فقط احمدی نژاد خوب است! زگی...

صدا و سیما طرف دیگر!!! و ایشان هم سخنگوی مردم است!!!

متن نامه احمدی نژاد : بر خلاف قانون به افراد و مجموعه های انسانی تهمت و افترا می زند ولی فرصت پاسخگویی نمی دهد بلکه طلبکار هم می شود.

**حضرت استاد روح :** این حرف موسوی نبوده است که گفت: [احمدی نژاد در رسانه ی ملی] به ما تهمت زده است!!!

متن نامه احمدی نژاد : در حالیکه بالاترین ضربات را به اعتماد عمومی مردم وارد می کند اما از موضع مدعی و مرشد و طلبکار برخوردار می کند

**حضرت استاد روح :** به حضرت رضا قسم، خود این آقا [ی نویسنده ی نامه] همینطوری است [و این چیزهایی که میگوید اوصاف خودش است]

متن نامه احمدی نژاد : یک مامور وزارت اطلاعات یا سازمان اطلاعات سپاه یا حفاظت اطلاعات قوه قضاییه می تواند یک فعال فرهنگی یا اجتماعی و یا اقتصادی را بدون دلیل موجه و برای سوءاستفاده به خاک سیاه بنشانند و آن فعال نیز دستش به جایی نرسد.

**حضرت استاد روح :** این حرف راست است یا دروغ؟ در حقوق شما چه خوانده اید؟ [قانون این است که] البینه علی المدعی...

متن نامه احمدی نژاد: تعدی نهادهای حکومتی حتی به زندگی و حریم خصوصی مردم نیز توسعه داده شده است. ضابطین قانونی و غیر قانونی در تمام زندگی مردم دخالت می کنند.

**حضرت استاد روح :** این حرف یک ضد انقلاب نیست، حرف رادیوی اسرائیل و رادیو آمریکا و رادیو فرانسه نمی گوید، این را کسی دارد میگوید که هشت سال رئیس جمهور این مملکت بوده است ، میگوید!!! اینکه آقا [رهبری عزیز انقلاب] برمیگردد میگوید، کسیکه هشت سال ، ده سال مسئولیت اجرائی کشور را در دست داشته است، نباید نقش اپوزوسیون را بازی کند، وقتی این حرف را خواندیم ، همینجا یک نفر گفت : از کجا معلوم مخاطب این [فرمایش رهبری احمدی نژاد باشد؟] یادتان هست؟!!!

متن نامه احمدی نژاد : با و بدون حکم قضایی بی محابا منزل و محل کار مردم را تفتیش می کنند **حضرت استاد روح :** عجب نا امنی ای در کشور وجود دارد!!!

متن نامه احمدی نژاد : و هر چیزی را پیدا کنند بر خلاف قانون پرونده سازی می کنند و مسئولین قضایی نیز بدون توجه به حریم قانون و اخلاق بر اساس آن حکم محکومیت مردم را صادر می کنند.

**حضرت استاد روح :** [خطاب به احمدی نژاد ،] تو دیگر حرف از اخلاق بزنی خیلی [خنده دار است]!!!

متن نامه احمدی نژاد : آیا ظلمی بزرگتر از محدود کردن آزادی های مردم آن هم در نظام برآمده از آزادی خواهی مردم قابل تصور است؟

**حضرت استاد روح :** یعنی بالاترین ظلم را ، نظام اسلامی دارد مرتکب میشود! [با توجه به اینکه

شما میگوئی] نظام اسلامی بالاترین ظلم را مرتکب میشود، خب رهبر نظام اسلامی

کیست؟ [یعنی احمدی نژاد میگوید: رهبری] بدترین ظلم را مرتکب شده است!!! هر عقلی

این حرف را میفهمد!

متن نامه احمدی نژاد: در دستگاههای حکومتی ظلم هایی می شود که هر یک برای اسقاط یک

احمدی نژاد ، علیه  
نظام اسلامی ، حتی  
بدتر از رادیو آمریکا و  
رادیو اسرائیل حرف  
میزند...

احمدی نژاد : نظام  
اسلامی ، ظالمترین  
حکومت است...

امپراطوری بزرگ کفایت می کند.

**حضرت استاد روح :** درست شد؟!!! [باتعجب و حسرت و ناراحتی]

متن نامه احمدی نژاد : اغلب مقامات ارشد خود در کارهای اقتصادی دخیل هستند.

**حضرت استاد روح :** اغلب یعنی چند نفر؟ آیا اغلب عبارت اخری اکثر هم هست؟!!! [واقعا] اکثریت

مسئولین نظام در کارهای اقتصادی دخیل اند؟ [خیر، اینگونه نیست] ، خدای تعالی انصاف

بدهد ، بعد نگاه کنید که بعد این همه اتهاماتی متوجه رهبری و نظام و انقلاب میکند و

اینگونه به آقا [رهبری عزیز انقلاب حمله میکند]

متن نامه احمدی نژاد : ممکن است که حضرت تعالی این امور را به دیگران احاله داده و با اعلام دفاع از

این حقوق بفرمایید که به مسئولین تذکر داده اید و آنان مقصرونند و باید جواب بدهند.

احمدی نژاد، مقصر تمام

مشکلات را رهبری

معرفی میکند...

**حضرت استاد روح :** یعنی میگوید چه کسی مقصر است؟! [همه ی تقصیرها را متوجه رهبری میکند!]

متن نامه احمدی نژاد : اما کیست که نداند در جمهوری اسلامی اختیارات رهبری بسیار گسترده و

فوق همه قوا و نهاد هاست و مسئولیت جایگاه رهبری به تذکر و احاله دادن به دیگران

محدود نمی شود.

**حضرت استاد روح :** خب، سوالی بپرسم؟ رهبری اگر اینهمه اختیاراتی که تو میگویی دارد! وقتی

خواستی آقای مصلحی [وزیر اطلاعات] را برداری، رهبری گفت: حق این کار را

نداری، [چون] شما گفتی من خودم سرپرستی [وزارت اطلاعات] را به عهده میگیرم!

[در حالیکه به نص قانون اساسی] سرپرستی وزارت اطلاعات را باید یک مجتهد به عهده

داشته باشد، خب تو این درس را کدام مدرسه خوانده ای؟!!!!

بالاخره زیر بار حرف رهبری نرفتی، چند روز در خانه نشستی؟ یک اسم مزخرف هم روی این

کارت گذاشتی که دنیا به ریش ما خندید، اسمش را گذاشتی دور کاری!!!

همان زمان ما از تو حمایت کردیم ، گفتیم : حمل به صحت بکنیم... آخر برادر ما تاجائی

که میشد این مُرده را تطهیر کنیم، تطهیر کردیم ، ولی بوی گندش درآمده است!!!

متن نامه احمدی نژاد : در واقع اصل قدرت در دستان رهبری است و نظام جمهوری اسلامی به نام

نظام ولایت فقیه معرفی شده و شناخته می شود.

احمدی نژاد : اصل

ظلم، توسط رهبری

انجام میشود...

**حضرت استاد روح :** خب، معنایش یعنی چه؟ یعنی اصل ظلم توسط چه کسی دارد اتفاق می افتد؟!!!

[احمدی نژاد میگوید، اصل ظلم توسط رهبری انجام میگردد] این خط به خط تو [احمدی نژاد] است. آن شخصی که [به ما ایراد گرفته بود] نوشته است که اینکه نهج البلاغه را بریده بریده میخوانم، کار بسیار بدی است، خب، چه کار کنم؟! خطبه ی شقشقیه را که می خواهم بخوانم [همه ی نهج البلاغه را یکجا بخوانم؟! این کار عقلانی است!!؟] چرا پرت و پلا تحویل همدیگر می دهیم؟! [طبیعی است که باید] محل شاهد را [در متن آیه و روایت] بیاورم.

متن نامه احمدی نژاد : مدت هاست که شورای نگهبان به جای انجام این وظیفه معین در انتخابات، خود را مسئول مهندسی انتخابات پنداشته و به جای مردم تصمیم می گیرد.

احمدی نژاد رهبری  
عزیز انقلاب را ظالم  
میداند!!!

**حضرت استاد روح :** [خب] وقتی شورای نگهبان وظیفه اش را انجام نمی دهد ، ظالم است یا عادل؟ [خب اینکه معلوم است، وقتی احمدی نژاد، رهبری عزیز انقلاب را ظالم میدانند ] مابقی وضعشان معلوم است که چطورست!!!

متن نامه احمدی نژاد : انتخابات دو دوره اخیر ریاست جمهوری نیز با مهندسی شورای نگهبان در امر انتخابات برگزار گردید و نتیجه آن در برابر مردم است.

احمدی نژاد، حرف فتنه  
گران را تکرار میکنند...

**حضرت استاد روح :** [خب] آنها هم در [فتنه ۸۸] همین حرف را در مورد خود شمامی گفتند ، چطور شد آنجا که شما را [احراز صلاحیت کردند] ، شورای نگهبان عادل بودند! خوب بودند! مهندسی نمی کردند! [حالا امروز مهندسی میکنند و ظالمنند؟!]

ایشان می گوید مردم دیگر به انتخابات هم امیدی ندارند! این عین سخنانی است که آقا [رهبری عزیز انقلاب] ، می فرمایند : کسانی که مردم را ناامید می کنند در نقشه ی **خانناهی دشمن بازی می کنند.**

متن نامه احمدی نژاد : چرا باید به گونه ای عمل شود که احساس عمومی در انتخابات آن باشد

که قرار است افرادی تحمیل شوند؟

**حضرت استاد روح :** [خب] این حرف خیلی خوشگل است! تازه رفیق ما [برای ما نوشته که ] چرا وسط بحث روضه میخوانی؟! تازه [روضه اینجا شروع میشود] بیا روضه را بشنو...

متن نامه احمدی نژاد : چرا باید عبور از فیلتر شورای نگهبان به یک رانت برای مهندسی انتخابات و

باز خود شیفتگی...



کنار گذاشتن افراد واجد صلاحیت و مورد قبول مردم و یا به ابزاری برای تحمیل افراد

خاص تبدیل گردد؟

**حضرت استاد روح :** [خب] منظور ایشان از افراد واجد صلاحیت کیست؟ [خودش را میگوید!] شنیده ام یک نفری می خواست برود شکار، تفنگی خرید و به رفیقش گفت : من شکار را پیدا می کنم و اشاره می کنم، تو شکار را بزن، در حین کار، یک مگس خیلی [آن شخص] را اذیت کرد و روی سرش نشست، مگس را به رفیقش نشان داد و گفت بزن! رفیقش گفت :چطور؟ [آن شخص] گفت : من می گویم بزن، چکار داری بزن، رفیقش زد و نه سر ماند و نه دستار!!!

آقای محترم ! اگر کسی شما را تایید نکرد، تازه خیلی مؤدبانه [گفتند : ] احراز صلاحیت

نکردیم [دلیل میشود که او ظالم است؟! و تو همه چیز را زیر سوال ببری؟!]

متن نامه احمدی نژاد : امروز اکثریت مردم امیدی به احقاق حق از مسیر قانونی در این دستگاه ندارند.

**حضرت استاد روح :** میگوید اکثریت مردم امید به احقاق حق از طریق دستگاه قضاء را ندارند! خب

صحبت های ایشان را خواندم، صحبت های حضرت آقا را هم بخوانم، ببینید واقعا من چه چیزی را پیش چه چیزی میگذارم!!! صلوات مرحمت بفرمایید...

اللهم صل على محمد وآل محمد عبدك ورسولك

**کتاب «هندسه ی انقلاب» صفحه ی ۹۰ :** [تیترا اینست که : تلاش قلمهای خائن در ناکارآمد نشان دادن نظام نزد ملت

این قلمها می خواهند ملت را دلسرد کنند. در عین حالی که ملت خودش وارد عمل هست، لکن باز

احتیاطاً آنها حرف می زنند، منتشر هم می کنند، به افراد می گویند که نه، خبری نشده است! جمهوری

اسلامی هم کاری از آن نیامد! اسلام هم از آن کاری نمی آید!

**حضرت استاد روح :** [میگویند ] زمان پهلوی بهتر بوده است!

**کتاب «هندسه ی انقلاب» صفحه ی ۹۰ :** اکنون که نقشه های شوم دشمنان خارجی و داخلی اسلام و

مسلمین با بیداری و وفاداری ملت و دولت، باطل گردید و توطئه های ایشان برای اختلاف بین دولتمردان - که

در نتیجه اختلاف بین قشرهای ملت می شد- با هوشیاری ملت عزیز خنثی شد، از راه شایعه افکنی و

تبلیغات بی پایه که به خیال خامشان موجب دلسردی و بی تفاوتی ملت سلحشور اسلامی گردد مشغول به

فعالیت مذبوحانه شدند که به گمان باطل خود ملت را از صحنه خارج و اسلام و مسلمین را به پرتگاه

هلاکت بکشند ... یکی از چیزهای بزرگی که اینها دارند، این است که سمپاشی کنند، به طوری که ما را از این انقلاب مایوس کنند. این یکی از کارهای بزرگ اینهاست که می‌خواهند بکنند که از این انقلاب ملت ما مایوس بشوند، و بگویند خوب کاری انجام نگرفته... یکی از اموری که توطئه در آن هست این است که راجع به این قانون اساسی مردم را سرد کنند. از آنها بپرسید، خوب این قانون اساسی که شما می‌گویید که قانونی است ارتجاعی، کدام یکی از این موادش ارتجاعی است؟ اولی که دست رویش می‌گذارند، دست می‌گذارند، روی ولایت فقیه. اول، دست آنجا می‌گذارند، برای اینکه این یک طرح اسلامی است و آنها از اسلام می‌ترسند.

**حضرت استاد روح :** عین کلمات امام است، [مخالفین می‌گویند : اولین قانونی که به درد نمی‌خورد، ولایت فقیه است!!! صلوات مرحمت بفرمایید...

وَلِلّٰهِ صُلْحٌ مُّخْتَصِرٌ لِّمَنْ عَجَلَ فَرِحَ

پیام به مناسبت انتشار نامه ی آیت  
الله سیدجلال الدین طاهری، امام  
جمعه اصفهان ۱۳۸۱/۴/۲۰

**کتاب «ره ، رهرو ، رهبر» صفحه ی ۷۰۹ - ۷۱۰ : انتقام جوئی دشمنان از امام و انقلاب، با استفاده از غفلت دوستان**

دشمنان سوگندخورده ی انقلاب که یک روز هم با امام و امت دل صاف و مهربان نداشته اند با این تلقینها میخواهند مردم را مایوس، جوانان را گمراه، و بعضی پیران موجه ولی بیخبر را مدعی امام و انقلاب کنند. در چنین شرایطی حرف زدن و اقدام کردن هوشیاری بیشتری میطلبد و اندک غفلتی دشمنان داخلی و خارجی را در سوءاستفاده و سوءنیت خود گستاخ میسازد و جفای بزرگی به این ملت مظلوم است. از همین رو، روزی که اطلاعیه ی منسوب به جنابعالی صادر شده، ضد انقلاب که در زیر سایه ی امریکا و اسرائیل با پول آنها زندگی و تغذیه میکند، بیشترین سوءاستفاده را از آن کردند و آن را مقابله با سیاستهای امام راحل و نفی و رفض نظام اسلامی و شعارهای آن وانمود کردند. البته بنده با سابقه رفاقت و آشنایی با جنابعالی و اطلاع از سوابق ممتدتان در انقلاب و نیز اطلاع از محبتی که همواره نسبت به اینجانب ابراز کرده اید، چنین برداشتی نمیکنم، ولی کسانی که سخن شیطان را باور کنند و فریب آن را بخورند نیز وجود دارند. این باید موجب شود که همهی ما در گفتار و اظهار خود هوشیاری و دقت و اخلاص بیشتری به کار گیریم و نگذاریم وحدت و انگیزه این ملت بزرگ و قهرمان خدای نخواستہ با غفلت ما مخدوش شود. آمریکا برای عملی کردن تهدید خود در ایران، تنها کمبودی که دارد وجود یک پایگاه مستحکم مردمی است که بتواند با استفاده از آن انتقام خود را از انقلاب و اسلام و امام بگیرد و برای سرکوب این ملت آزاد و شجاع، یک دیکتاتوری سیاه، شبیه دیکتاتوری پهلوی در این کشور مستقر کند. بلای گرفتاری در مشت اطرافیان نامطمئن موجب شد که یکی از یاران و شاگردان نزدیک امام در اواخر عمر آن یگانه ی زمان، مطرود ایشان واقع شود و او را از دخالت در امور سیاسی منع شرعی

اشاره به نامه مورخ ۶۸/۱۰/۰۶ خطاب به آقای منتظری، مندرج در ج ۲۱ صحیفه امام ص ۳۳۰ (مبنی بر عدم صلاحیت برای تصدی رهبری نظام جمهوری اسلامی)

با دلی پر خون و قلبی شکسته  
چند کلمه‌ای برایتان می‌نویسم  
تا مردم روزی در جریان امر  
قرار گیرند... شما در اکثر  
نامه‌ها و صحبتها و  
موضعگیریهایتان نشان دادید  
که معتقدید لیبرالها و منافقین  
باید بر کشور حکومت کنند...  
شما از این پس وکیل من  
نمی‌باشید... شما مشغول به  
نوشتن چیزهایی می‌شوید که  
آخرتتان را خرابتر می‌کند ...  
برای اینکه در قعر جهنم  
نسوزید خود اعتراف به اشتباه  
و گناه کنید، شاید خدا  
کمکتان کند...

اشاره به نامه مورخ ۶۸/۰۱/۰۶ خطاب به آقای منتظری، مندرج در ج ۲۱ صفحه امام ص ۳۳۰ (مبنی بر عدم صلاحیت برای تصدی رهبری نظام جمهوری اسلامی) و الله قسم، من از ابتدا با انتخاب شما مخالف بودم...

کنند و باز اگر آن شخص به این تصمیم و اخطار حکیمانه ی استاد و مراد خود عمل میکرد یقیناً مشکلات بعدی را برای خود و کشور به وجود نمی آورد.

اینجانب جفای به خودم را فراموش میکنم اما همه باید از امام راحل عظیم خود آموخته باشیم که جفای به ملت و تلاش برای سست کردن بنیان نظام اسلامی قابل بخشش نیست.

**حضرت استاد روح:** آقا فرمود: اطرافیانتان را نگاه کنید، اطرافیانتان را نگاه کنید!!! [وقتی امام برای کسی مثل

آقای منتظری که [سابقه ی انقلابی اش [بمراتب] بیشتر از آن آقائی است که برای [رهبری عزیزانقلاب] نامه نوشته است، [با این حال] آن نامه ی شدیدالحن را مینویسد. [این حرف حضرت امام به آقای منتظری که فرمودند] توبه کن تا قعر جهنم نسوزی، خیلی حرف بزرگی است.

هفته ی گذشته گفتم [احمدی نژاد] نیاز به کسی دارد که بادش را خالی کند، اشکش را در بیاورد، بعد این [طرفدار احمدی نژاد] برای من نوشت که خودت به کسی نیاز داری که اشکت را در بیاورد، ما آماده ایم هر که میخواهد اشکمان را در بیاورد، در خدمتشان هستیم، به شرطی که آنها هم ان شاء الله الرحمن گوش بکنند...

امام حکم حکومتی داد [به آقای منتظری] که حق نداری [در مسائل سیاسی] ورود کنی، [برادران] **حمایت از ولایت فقیه ی تک تک ماست...** صلوات مرحمت بفرمایید...

### والله صل على محمد وآل محمد عبلي فرهم

حرفهای بسیاری نوشته بودم که برایتان بخوانم ولی گفت: در خانه اگر کس است، یک حرف بس است، ان شاء الله اگر فرصتی داشته باشیم، حرفهای دیگری هم هست که گفتگو خواهیم کرد، [از خدا میخواهیم] که با رحمت بی پایانش، شیطان را از همه ی ما دور کند...

برادرمان [در آن فحشنامه برای ما] نوشته است که در دوران [احمدی نژاد] هشت سال کشور عالی اداره شد!!!! اینها بماند، هفته های بعد بررسی بکنیم...

باید یک گروه منصفی پیدایشود، ببینیم که آیا هشت سال کشور عالی اداره شده است یا نه؟!!! به عنوان نمونه از شما سوال می پرسم: که در طول آن هشت سال یکبار اتفاق افتاد که بودجه سر وقت به مجلس برود؟ [یکمرتبه هم این اتفاق نیافتاد] سابقه نداشت بعد از روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی، وزیری با مدرک تقلبی به مجلس شورای اسلامی معرفی شده باشد ولی در دوره ی شما این کار اتفاق افتاد...

یکی یکی اگر بخواهم بشمارم، مثنوی هفتادمن کاغذ شود... بس است. صلوات مرحمت بفرمایید...

### والله صل على محمد وآل محمد عبلي فرهم

«والسلام»

سخنی از سر درد و رنج و با دلی شکسته و پر از غم و اندوه با مردم عزیزمان دارم: من با خدای خود عهد کردم که از بدی افرادی که مکلف به اغماض آن نیستیم هر گز چشم پوشی نکنم...

من با خدای خود پیمان بستهام که رضای او را بر رضای مردم و دوستان مقدم دارم؛ اگر تمام جهان علیه من قیام کنند دست از حق و حقیقت بر نمی دارم...

**تاریخ اسلام پر است از خیانت بزرگانش به اسلام**

[خطاب به مردم] سعی کنند تحت تأثیر دروغهای دیکته شده که این روزها رادیوهای بیگانه آن را با شوق و شور و شفع پخش می کنند نگردند...

از خدا می خواهم که به پدر پیر مردم عزیز ایران صبر و تحمل عطا فرماید و او را بخشیده و از این دنیا ببرد تا طعم تلخ خیانت دوستان را بیش از این نچشد...